

غلط یا مرجوح	درست یا ارجح و اصلاح پیشنهادی	توضیح
اذیت ناک	آزاردهنده	واژه سازی باید درست باشد.
اکثراً	بیشتر آنها	«اکثر» در عربی، تنوین نمی گیرد، چه رسد به فارسی.
اگر رفتار کودکان را می بینم	اگر رفتار کودکان را ببینم	مضارع التزامی لازم داریم.
امثال ذالک	مانند آن	اولویت با واژه فارسی است.
امور محوله	کارهای واگذار شده	تطابق تذکیر و تأنیث در زبان عربی است، نه فارسی.
اموریست	اموری است	-
مدارس انتفائی	مدارس انتفاعی	از ماده نفع
إِنشاءالله	إِنْ شاء الله	
اوطاق	اتاق	
ایام های انقلاب	ایام انقلاب، روزهای انقلاب	جمع را دوباره جمع ننبدیم.
این جا	اینجا	بنا بر شیوه فرهنگستان
این که	اینکه	بنا بر شیوه فرهنگستان
باید گفت که	-	زاید است و چیزی نباید گفت!
بایستی بشود.	باید بشود.	
بررسی و مورد بحث قرار می دهیم.	بررسی می کنیم.	
بزرگتر، خوبتر	بزرگ تر، خوب تر	جدانویسی «تر»، مگر در مورد بیشتر، کمتر و بهتر
بطور	به طور	
بنام خدا	به نام خدا	بنام به معنای «برجسته و مهم» استثناست.
بورو کراسی	کاغذبازی	
به طوری که	به گونه ای که	
به عینه	بعینه	رسم الخط عربی برای عربی
بهران	بحران	بحران قلم!
بهمراه	به همراه	
بیان گر	بیانگر	
پی ... بردن	پی بردن	فعل مرکب
تأثیر گزار	تأثیر گذار	گذار به معنای گذاشتن (وَضَعَ)

تکنولوژی	فناوری	
تلاشگر	تلاشگر	
چند کتابها	چند کتاب	
حسب ضرورت	به ضرورت، در صورت نیاز	
خسته گی	خستگی	
خواهران محترمه	خواهران محترم	
در خصوص	درباره ی	
در رابطه با	درباره ی	
دوستم حسین آمد.	دوستم، حسین آمد.	اطراف بدل، ویرگول بگذاریم.
دینداری	دین داری	بنا بر شیوه فرهنگستان
روی کرد	روی کرد	
سال ۱۴۲۵ قمری	۱۴۲۵ق.	
سعود به قله	صعود به قله	
سیستم	سامانه، نظام، دستگاه	
شروع کردن به تشکیل جهاد	جهاد را تشکیل دادند.	
شیفت	نوبت	
ظمن	ضمن	
عمدةً	عمدتاً	
آنها غذا خوردن.	آنها غذا خوردند.	خلط سوم شخص جمع با مصدر.
فراقت از جنگ	فراغت از جنگ	ناآشنایی با عربی
فرزندان منصوب به او	فرزندان منسوب به او	غلط املائی
قالب مردم کم می اندیشند.	غالب مردم کم می اندیشند.	ناآشنایی با عربی
قلمداد	قلمداد	یک کلمه است
قم، خواستگاه انقلاب است.	قم، خاستگاه انقلاب است.	خاستگاه: محل پیدایش
کسانیکه	کسانی که	
کار او به جاست.	کار او بیجاست.	پیشوند «ب» + جا
گاهاً	گاهی، گاه	
گنجشگ	گنجشک	
لذا	از این رو، بنابراین، پس	اولویت با فارسی
لشگر	لشکر	
مثمرثمر	مفید	حشو قبیح
مجبور به ... شدم.	مجبور شدم که ...	بین اجزای فعل، فاصله نیندازید.

مخصوصاً	به ویژه، به خصوص، خاصه	اولویت با فارسی
مدخل ورودی	ورودی	حشو است.
مرا آورد به شهر یزد.	مرا به شهر یزد آورد.	
مراسمات	مراسم	جمع را دوباره جمع ننیدیم.
مسئولان	مسئولان	بنا بر شیوه فرهنگستان
معلم‌اش	معلمش	
من را	مرا	
من جمله	به ویژه، از جمله	
منسوب به خانواده	منسوب به خانواده	ناآشنایی با عربی
مورد اجرا قرار گرفت	اجرا شد.	
مورد تأکید قرار دادند.	تأکید کردند.	
می‌باشد	است	یکی از غلط‌های رایج است.
میتوان	می‌توان	
نمی‌باشد	نیست	
ورود به مدرسه پیدا کردم	به مدرسه رفتم	
همه‌ی مردم	همه‌ی مردم	
هنگامیکه	هنگامی که	
هیچگاه	هیچ‌گاه	
هیچگونه	هیچ‌گونه	
یک سری	چند، یک دسته، یک سلسله	
چنانچه حضرت علی (علیه السلام) فرمود.	چنانکه حضرت علی (علیه السلام) فرمود.	
در حالیکه	در حالی که	
جهت مطالعه، چند کتاب خریدم.	برای مطالعه، چند کتاب خریدم.	
به خاطر تنبلی، قلمم هنوز بد است.	به علت / به سبب تنبلی، قلمم هنوز بد است.	
امیدوارم ترسم را از نویسندگی از دست بدهم.	امیدوارم از ترس نویسندگی، رهایی یابم.	«از دست دادن» برای چیزهای خوبی به کار می‌رود که دوست نداریم از ما جدا شوند.
کتاب او از کثیفی برخوردار است.	کتاب او کثیف است.	«برخوردار بودن» را درباره امور خوبی به کار می‌بریم که دوست داریم چنین باشند؛ مانند «او از هوش بالایی برخوردار است.
آنها رفتن و با چشم خود دیدن.	آنها رفتند و با چشم خود دیدند.	خلط سوم شخص جمع با مصدر
امورات، عیوب‌ها، کتب‌ها	امور، عیوب، کتب	جمع را دوباره جمع ننیدیم
آنرا، اینرا	آن را، این را	

	باری تعالی	باریتعالی
	به صورت، به وجود آوردن	بصورت، بوجود آوردن
	کوچک تر	کوچکتر
	گواهی نامه، این جانب	گواهینامه، اینجانب
	هیچ کدام، هیچ یک، هیچ وقت، هیچ گاه	هیچکدام، هیچیک، هیچوقت، هیچگاه
	همچنان	همچنان
	به دنیا، به طوری که، به دست	بدنیا، بطوریکه، بدست
	وضعیت درسی اش، دبیر عربی اش	وضعیت درسیش، دبیر عربیش
	روبه رو، لابه لای	روبرو، لابلای
	بالاخره	بالاخره
	به نحو احسن	به نحو احسنت
	رشته الهیات مرا اقتناع نکرد؛ از این رو، به حوزه آمدم.	رشته الهیات مرا اغنا نکرد؛ از این رو، به حوزه آمدم.